

به نام خدا



عنوان مستند: شیوه نامه رتبه بندی اعتباری نهادهای مالی غیربانکی

شماره ویرایش: یک

تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۱۱/۲۹

مرجع تصویب: کمیته تدوین ضوابط و هیأت مدیره

مقدمه

محدوده شیوه‌نامه حاضر مربوط به شرکت‌های واسپاری (لیزینگ)، تأمین سرمایه (بانک سرمایه‌گذاری)، سبدگردان، پردازش اطلاعات مالی و مشاوره سرمایه‌گذاری می‌باشد که شرکت رتبه‌بندی اعتباری برهان (که در این شیوه‌نامه به اختصار برهان نامیده می‌شود) آن‌ها را به منظور تهیه این شیوه‌نامه تحت عنوان نهادهای مالی غیربانکی خواهد نامید.

بخش بزرگی از دارایی‌های کشور همچنان توسط بانک‌های تجاری مدیریت می‌شوند در حالی که سهم نهادهای مالی غیربانکی همواره کم باقی مانده است. این بخش با چالش‌هایی همچون تجهیز محدود منابع، عدم دسترسی به خطوط اعتباری از نهادهای مالی بانکی، عدم توانایی در جذب سپرده و عدم برخورداری از حمایت قانونی در زمان مواجهه با درماندگی مالی به طوری که برخلاف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان بورس و اوراق بهادار در مورد نهادهای مالی تحت نظارت خود، نقش آخرین وام‌دهنده را ایفا نمی‌کند. گفتنی است که از بین نهادهای مالی غیربانکی نام‌برده شده در بند قبلی، شرکت‌های واسپاری (لیزینگ)، تحت نظارت بانک مرکزی ایران و بقیه تحت نظارت سازمان بورس و اوراق بهادار هستند. اثربخشی محیط مقرراتی از جمله عوامل بیرونی است که بر رتبه اعتباری تأثیر می‌گذارد و نظارت‌های بیرونی تأثیر مثبتی بر حمایت از بستانکاران دارد.

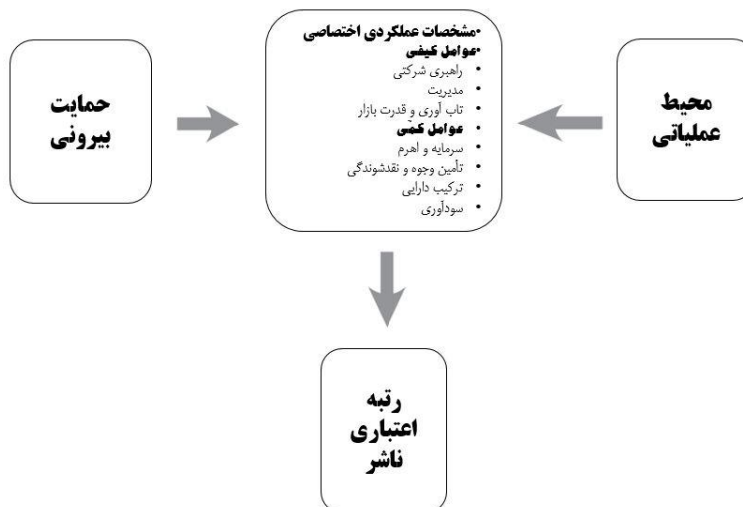
قابلیت مقایسه میان بخشی

رتبه‌های تخصیص یافته به شرکت‌های فعال این بخش، قابلیت مقایسه با بخش‌های مختلف دیگر را هم دارد. برهان در تلاش است تا با ارزیابی خود، جایگاه هر شرکت را در مقابل دیگر شرکت‌های رتبه‌بندی شده تعیین نموده و بنابراین از طریق ایجاد یک مقیاس واحد برای ارزیابی شایستگی اعتباری هر شرکت، کاربرد رتبه‌بندی‌ها را برای عموم سرمایه‌گذاران حداکثر کند. در زمان ارزیابی رتبه‌ها، ریسک‌های مرتبط با بخش مربوطه در کنار ریسک مختص به شرکت در نظر گرفته می‌شوند. بنابراین در رتبه‌بندی هر نهاد مالی، در کنار شاخص‌های عمومی صنعت مالی، تغییرات در شاخص‌های اقتصادی نیز لحاظ می‌شوند. علاوه بر این، مفاهیم اساسی و اصول اولیه دستیابی به یک رتبه برای یک نهاد مالی غیربانکی، تا حد زیادی مشابه هر بخش دیگر است.

چارچوب تحلیلی

شیوه‌نامه رتبه‌بندی برهان برای نهادهای مالی غیربانکی متشکل از سه چارچوب تحلیلی فراگیر است. ارزیابی، با عوامل بیرونی محیطی که ممکن است بر مشخصات ریسک یک مؤسسه تأثیر بگذارد، آغاز شده و با ارزیابی مشخصات عملیاتی اختصاصی و نیز ارزیابی حمایت‌های بیرونی که ممکن است مؤسسه از آن برخوردار باشد، همراه می‌شود.

چارچوب تحلیلی ارزیابی نهادهای مالی غیربانکی



محیط عملیاتی

ارزیابی محیط عملیاتی نهادهای مالی غیربانکی به ریسک‌های اقتصادی و صنعتی که نهادهای مالی غیربانکی در معرض آن قرار دارند یا ممکن است در افق رتبه‌بندی با آن مواجه شوند، بستگی دارد. در ارزیابی ریسک اقتصادی، درک ساختار فعلی و پیش‌بینی‌شده اقتصاد، انعطاف‌پذیری سیاست اقتصادی در مقابل ساختار اجتماعی-سیاسی پیش‌بینی‌شده، عدم تعادل‌های اقتصادی موجود و بالقوه و حوزه‌های عمده ریسک اعتباری، اهمیت دارند. در تجزیه و تحلیل ریسک اقتصادی، ظرفیت نهاد مالی غیربانکی در تطابق با تغییرات اقتصاد ملی در سطح بخشی و انفرادی نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

در ارزیابی ریسک صنعت، عمق پوشش محیط مقرراتی مربوط به نهادهای مالی غیربانکی و اثربخشی نظارت مقام ناظر بر اجرای این مقررات، نیز مدنظر قرار می‌گیرند. همچنین رتبه‌ها از توانایی مقام ناظر در حصول اطمینان در خصوص سلامت نهاد مالی و ظرفیت و تمایل آن جهت مداخله به منظور اجتناب از شکست ساختاری، تاثیر می‌پذیرد. شفافیت در سیستم (که توسط چارچوب نظارتی القا شده است) به همراه کارایی نظام کلی حقوقی در زمان مسدود شدن دارایی‌های مشتری برای حمایت از تصاحب مجدد این دارایی‌ها، وزن مناسب خود را دارند.

ارزیابی مشخصات عملیاتی اختصاصی

ارزیابی مشخصات عملیاتی اختصاصی به دو جنبه عوامل کمی و کیفی به شرح زیر توجه می‌کند:

عوامل کیفی

راهبری شرکتی

تأثیر راهبری شرکتی بر رتبه اعتباری تا حدی که راهبری ضعیف منافع اعتباردهندگان را به مخاطره بیاندازد، در نظر گرفته می‌شود. هدف برهان از ارزیابی راهبری شرکتی آن است که اطمینان پیدا نماید تا شرکت به نوعی ساختاردهی شده تا محیط کنترل داخلی اثربخشی را ایجاد کند؛ به نحوی که از طریق توزیع بهینه قدرت در سازمان، امکان سوء استفاده از آن را به حداقل برساند. خصوصیات مختلف هیئت مدیره یک متغیر در میان سایر متغیرها است. از منظر ساختار هیئت مدیره، برهان بر نقش هیئت مدیره، کیفیت چشم‌انداز مدیریت، ترکیب تخصص‌ها در آن و ارتباط آن‌ها با کسب و کار و صلاحیت کمیته‌های هیئت مدیره، تمرکز می‌کند. حوزه‌های کلیدی دیگر مشتمل بر استحکام عملیات نظارتی شامل حسابرسی داخلی و مستقل می‌باشد. میزان پیچیدگی سیستم‌های مدیریت ریسک مورد استفاده نیز یک عامل بسیار مهم در ارزیابی برهان است. راهبری شرکتی خوب و مدیریت ریسک صحیح از ارزش منابع شرکت محافظت کرده و کاربرد آن‌ها را بهینه می‌کند، لذا به نهاد مالی اجازه می‌دهد تا تعهدات خود را در مقابل ذی‌نفعان از جمله اعتباردهندگان، ایفا نماید.

مدیریت

در زمان ارزیابی مشخصات مدیریت ارشد، تجارب تیم مدیریت ارشد و توانایی شرکت در تداوم فعالیت‌ها بدون ایجاد اختلال با اهمیت در موقع از دست دادن کارکنان کلیدی، مدنظر قرار می‌گیرند. وجود فرآیند برنامه‌ریزی راهبردی، تداوم راهبرد با توجه به منابع در دسترس، چارچوب قوی برای سیاست‌ها و رویه‌ها، عواملی مثبت از منظر رتبه‌بندی اعتباری محسوب می‌شوند.

تاب‌آوری و قدرت بازار

اندازه شرکت (اگرچه تنها شاخص قدرت نمی‌باشد) با جایگاه بازار رابطه‌ای قوی دارد. آمار عملکردی قابل مقایسه گذشته نشان می‌دهد که تمایل برای اعطای رتبه بالاتر به شرکت‌های بزرگ‌تر وجود داشته است. در زمان ارزیابی یک سازمان از نظر مشخصاتی همچون کیفیت دارایی یا دسترسی به منابع مالی، باید مزیت تنوع که نوعاً میزان آن در شرکت‌های بزرگ‌تر بیشتر است، در نظر گرفته شود. دلایل ملموسی در زمینه تأثیر اندازه شرکت در رتبه‌بندی‌ها وجود دارد. اندازه اولاً موجب افزایش قدرت بازار یک سازمان در تمامی جوانب می‌شود که از آن جمله می‌توان به قدرت جذب افراد باکیفیت، جذب منابع مالی و دستیابی به زیرساخت بهتر و البته قدرت قیمت‌گذاری اشاره

نمود. در صورتی که این نقاط قوت در سازمان‌های بزرگ وجود نداشته یا در سازمان‌های کوچک وجود داشته باشند، البته رتبه‌بندی از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد، اگرچه این پدیده استثنایی بوده و قاعده محسوب نمی‌شود. این موضوع به این معنا نیست که سازمان‌های چابک یا کوچک، زمینه رقابتی خود را در طی زمان از دست خواهند داد. در حالی که آن‌ها می‌توانند به عنوان مدل‌های تجاری همچنان موفق باشند، عامل قدرت بازار به‌ناچار به عنوان یکی از متغیرهای معادله ریسک در نظر گرفته می‌شود. به طور خاص در اقتصادهای در حال رشد، همانطور که محیط کسب و کار در حال رقابتی‌تر شدن بوده و فعالیت‌های مرتبط با ادغام و تملک نیز به عنوان نتیجه طبیعی آن در حال افزایش است، به‌طور کلی صرفه مقیاس اهمیت بالاتری می‌یابد.

عوامل کمی

سرمایه و اهرم: سنگ بنای آینده

سرمایه از نظر برهان به عنوان یک مخزن در دسترس نهاد مالی در مقابل زیان‌های پیش‌بینی نشده محسوب می‌شود. این عامل به عنوان مهمترین شاخص حمایتی است که نهاد مالی برای اعتباردهندگان خود در برابر زیان‌های آتی فراهم می‌کند و کفایت آن باید با توجه به ریسک‌های تحمل شده توسط شرکت، ارزیابی شود. ریسک اعتباری، ریسک بازار و ریسک‌های عملیاتی به عنوان منابع اولیه ریسک، به منظور ارزیابی کفایت سرمایه نهاد مالی مورد بررسی قرار می‌گیرند. نهادهای مالی غیربانکی ممکن است فعالیت خود را بین بازار پول و سرمایه به صورت متنوع توزیع کنند و وجود ریسک بازار در کنار زیان‌های بالقوه وام‌ها و قراردادهای واسپاری، در مقایسه با حقوق صاحبان سهام کمی‌سازی می‌شوند. ذخایر پنهان نیز در صورت لزوم به حساب گرفته می‌شوند.

اهرم یا میزان بدهی در مقایسه با سرمایه پایه، به عنوان عاملی مهم در اختصاص رتبه اعتباری محسوب می‌شود. برهان معتقد است که در یک اقتصاد در حال رشد و در سازمان‌های پویا، سطح سرمایه به سمت بهینه حرکت می‌کند و اگر سطح سرمایه بالاتر از میانگین باشد، در نهایت اهرم افزوده می‌شود تا ارزش بیشتری برای سهامداران حاصل شود.

بنابراین ریسک‌گریزی سازمان‌ها ممکن است کم یا زیاد باشد، ولی در هر حال، سطح بالاتر سرمایه (هم به صورت مطلق و هم به صورت نسبی) اثر مثبت در رتبه‌بندی دارد. بنابراین فهم میزان تمایل مالکان و مدیران به پذیرش ریسک، بخشی از فرایند قضاوت برهان محسوب می‌شود. اینکه ذخیره احتیاطی تا چه میزان بیش‌تر از الزامات نسبت کفایت سرمایه (طبق مقررات) است نیز به عنوان عاملی مهم در رتبه‌بندی محسوب می‌شود.

برهان همچنین به توانایی نهاد مالی غیربانکی در افزایش سرمایه پایه خود از طریق انباشته کردن سود تاکید دارد، چون سود برای رشد باثبات، به عنوان یک منبع قابل اتکا محسوب می‌شود. این موضوع سیاست تقسیم سود را به عنوان عاملی مهم در می‌آورد، چراکه حتی قابلیت سودآوری قوی می‌تواند از طریق خروج زیاد نقدینگی تضعیف شود. یک سرمایه پایه قابل توجه، مدیریت را قادر می‌سازد تصمیمات عاقلانه‌ای را در زمینه گزینه‌های رشد و تأمین مالی اتخاذ کند.

تأمین وجوه و نقدشوندگی

در زمینه نهادهای مالی غیربانکی، در ارزیابی اهرم باید به ماهیت بدهی‌ها که مبتنی بر زمان هستند برخلاف بانک‌های تجاری که تقاضامحور هستند، توجه داشت. بنابراین مقدار شاخص‌های نقدشوندگی مورد نیاز برای رتبه‌های بالاتر، اغلب برای نهاد مالی غیربانکی در مقایسه با بانک‌های تجاری پایین‌تر است. به طور مشخص، میزان توان نهاد غیربانکی در ایجاد تناسب بین دارایی‌ها و بدهی‌های خود و اینکه تا چه حد بدهی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت آن با سررسیدها و مشخصات نرخ بهره منابع مالی تأمین شده و سبد سرمایه‌گذاری‌های نهاد مالی مطابقت دارند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. نقدینگی در دسترس برای ایفای تعهدات کوتاه‌مدت از طریق ارزیابی تمام ادعاهای کوتاه‌مدت در برابر تمام منابع نقد کوتاه‌مدت، مورد قضاوت قرار می‌گیرد. البته برهان، کیفیت، تنوع و ثبات منابع نقدی را نیز در نظر می‌گیرد. ایجاد و مدیریت محتاطانه این جریانات نقدی به عنوان موضوعی کلیدی در ارزیابی محسوب می‌شوند.

دسترسی به منابع مالی عامل مهم دیگری در رتبه‌بندی است. نهادهای مالی غیربانکی تا حد زیادی به منابع مالی ثانویه از جمله اخذ تسهیلات مالی، اتکا می‌کنند، اگرچه برخی از آن‌ها به منابع عمومی از طریق انتشار ابزارهای مالی نیز دسترسی دارند. در نتیجه، توانایی تامین مالی با نرخ‌های رقابتی از بازارهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، برای بقای مستمر و توأم با موفقیت، حیاتی است. تنوع و ثبات منابع تأمین وجوه، به نوبه خود الزامات نقدشوندگی را برای نهاد مالی تعیین می‌کند. در حالت ایده‌آل، راهبرد تأمین وجوه برای نهاد مالی غیربانکی، آن است که منابع متنوع تأمین مالی را دربرگیرد.

برهان انعطاف‌پذیری نهاد مالی در مقابله با رخدادهای بازار و ظرفیت آن در تأمین مالی کسب و کارهای جدید را ارزیابی می‌کند. دسترسی به بازارهای بدهی و آن بخش از دارایی‌ها که بدون نقصان قابل توجه در ارزش، قابل تبدیل به وجه نقد هستند، از نظر برهان ارزش زیادی دارند.

کیفیت دارایی: مدیریت سبد سرمایه‌گذاری

ارزیابی کیفیت دارایی به عنوان عامل کلیدی در فرآیند رتبه‌بندی محسوب می‌شود. یک اصل بنیادین در این فرایند همانا تجزیه و تحلیل ترکیب دارایی‌هاست. نهادهای مالی غیربانکی به طور روزافزونی مطابق مقررات مرتبط، محدوده فعالیت خود را به مسیرهای مختلف دیگری توسعه می‌دهند. گرچه این موضوع باعث تنوع در جریان‌ات درآمدی می‌شود ولی از طرف دیگر منجر می‌شود تا نهادهای مالی غیربانکی علاوه بر ریسک نرخ بهره و ریسک اعتباری، با ریسک‌های مختلفی همچون ریسک بازار نیز مواجه شوند. توسعه فعالیت‌ها، باعث می‌شود تا تجزیه و تحلیل‌های عمیق‌تر در زمینه سازوکارهای مورد استفاده جهت تطابق با پویایی‌های متغیر محیطی و حفظ نقدشوندگی، ضرورت یابند.

تا آنجایی که به تأمین مالی سبد دارایی‌ها مربوط می‌شود، بازیافت‌های نقدی، از اهمیتی حیاتی در ایفای بموقع بدهی‌ها برخوردار است. از آنجایی که بهبود یا خرابی در سبد سرمایه‌گذاری می‌تواند منجر به تغییرات مهمی در توان مالی شرکت شود، برهان انجام یک تجزیه و تحلیل جامع از کیفیت دارایی‌ها را دنبال می‌کند. لذا میزان خرابی دارایی‌ها و اثربخشی سیاست‌های مدیریت در خصوص رویه‌های بازیافت نقدی آن‌ها و رویه‌های ارزیابی ریسک، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

اندازه سبد سرمایه‌گذاری در هر دو سطح مطلق و نسبی یکی دیگر از ملاحظات می‌باشد. در ارتباط با یک سبد سرمایه‌گذاری که بر حسب جغرافیا، مشتری و نوع محصول متنوع‌سازی شده است ریسک کمتری وجود دارد. فلسفه مدیریت در مورد تمرکز و برنامه‌های رشد، مرور می‌شوند. شرکت‌های ضعیف‌تر نسبت به تغییرات محیطی حساس‌تر هستند و ماهیت و شدت تغییرات در شرایط بازار تأثیری قابل توجه بر توان مالی و رتبه آن‌ها دارند.

سودآوری: عامل کلیدی در توان مالی

بهبود در سودآوری در یک سال واحد، عموماً نمی‌تواند به طور قابل ملاحظه‌ای بر میزان محافظت از اعتباردهندگان در برابر ریسک بیفزاید. با این حال سودآوری پایدار در طی چند سال به یک نهاد مالی قوی ختم می‌شود. کیفیت سود با تأکید بر تداوم و پیش‌بینی‌پذیر بودن درآمدها به همان اندازه که مبلغ سود مهم است، اهمیت دارد. برهان در تجزیه و تحلیل خود، سود تکرارشونده را از سودهای غیرمحوری تفکیک می‌کند، که انتظار می‌رود تصویر بهتری از پتانسیل درآمدزایی آتی یک شرکت به نمایش بگذارد.

سود نشانگر کارایی راهبرد مدیریت و ظرفیت یک نهاد مالی در تأمین مالی داخلی است. میزان سود پایه (بدون لحاظ ذخایر، مالیات و اقلام غیرمترقبه)، ظرفیت نهاد مالی را در ایجاد ذخایر برای جبران زیان‌های بالقوه نشان می‌دهد.

حمایت بیرونی

توانایی نهاد مالی غیربانکی در ایفای تعهداتش تحت تأثیر میزان حمایت بیرونی قرار دارد. الگوهای مالکیت و عملکرد گذشته بنیانگذاران و شرکتهای هم‌گروه، مرور می‌شوند. اگر بنیانگذاران و شرکت‌های هم‌گروه قدرتمند باشند، احتمال برخورداری از پشتیبانی آن‌ها در زمان نیاز،

معمولاً زیاد است. شایستگی اعتباری نهادهای مالی غیربانکی با بنیان مالی ضعیف، در صورتی که توسط شخص ثالث قوی حمایت شوند، ممکن است افزایش یابد. به همین ترتیب، ثبات‌پذیری مالی اشخاص مرتبط نیز در نظر گرفته شده و به عنوان نقاط قوت یا ضعف که مشخصات ریسک اشخاص رتبه‌بندی شونده را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مد نظر قرار می‌گیرند.